

ولادت حضرت بقية الله الأعظم (عجل الله تعالى و فرجه)

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

در سال 255 هـ شب جمعه شب ولادت خاتم الاوصياء منتقم آل محمد (صلی الله علیه وآله)، آخرین امام بر حق و ولی مطلق خداوند حضرت بقية الله حجة بن الحسن عجل الله تعالى فرجه الشريف واقع شده است. (1) در این شب آب زمزم زیاد می شود به گونه ای که همه می توانند رؤیت کنند (2)، ولی اکنون روی آن پوشیده است. در این شب برات آزادی از آتش برای افراد زیادی نوشته می شود، و آن را «شب برات» و «شب مبارك» و «شب رحمت» گویند.

از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت شده که فرمودند: وقتی شب نیمه شعبان شود، منادی از افق اعلی ندا می کند: «ای زائرین قبر حسین بن علی برگردید در حالی که گناهان شما آمرزیده شده و اجر شما با خدای شما و محمد باشد». ولی کسی که استطاعت زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) را ندارد قبور مطهر ائمه دیگر را زیارت کند؛ و اگر این هم ممکن نیست با اشاره به طرف قبرشان سلام دهد. (3) نام پدرشان حضرت ابومحمد حسن بن علی (علیه السلام)، و نام مادرشان حضرت نرجس (علیها السلام) است. (4)

ماجرای شب ولادت

امام حسن عسکری (علیه السلام) در شب ولادت برای عمه بزرگوار خود جناب حکیمه خاتون (علیها السلام) پیغام فرستاده فرمودند: امشب نزد ما افطار کن که شب نیمه شعبان است و خداوند حجت خود را آشکار می

سازد. (5)

ولادت امام زمان (علیه السلام) در شهر سامرا به هنگام طلوع فجر نیمه شعبان 255 هـ بوده است. بر شانه راست آن حضرت نوشته شده بود: «جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا». پس از تولد آن بزرگوار را نزد پدر بردند و شروع به سخن فرمود: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيُّ اللَّهِ» و ائمه معصومین (علیهم السلام) را یکی بعد از دیگری نام برد تا به وجود شریف خود رسید و برای فرج محبین خود دعا فرمود.

امام زمان (علیه السلام) در آغوش پدر

آنگاه حسب الامر امام عسکری (علیه السلام)، حکیمه خاتون او را نزد مادرش نرجس خاتون برد. حکیمه خاتون می فرماید: روز هفتم به خدمت امام حسن (علیه السلام) رفتم. حضرت فرمود: «پسر مرا بیاورید». آن وجود سراپا جود را نزد آن امام بردیم. حضرت زبان در دهان وی گذاشتند و فرمودند: «پسر، سخن بگو». دیدم آنچه در روز اول از او شنیده بودم از اقرار به وحدانیت و ثنا بر جد خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سایر ائمه (علیهم السلام) تا پدر بزرگوارش دوباره بیان کرد و این آیه را تلاوت فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَّ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ». (6)

سپس پدر بزرگوارشان فرمودند: بخوان آنچه را که خدا بر پیامبران خود نازل فرمود. حضرت خواندن صحف آدم را به لغت سریانی آغاز نمود، و بعد کتاب ادريس و نوح و صالح و صحف ابراهيم و تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد (صلی الله علیه و آله) را قرائت نمود. بعد از آن بیان قصص انبیاء و مرسلین را شروع نمود.

حکیمه خاتون می گوید: پس از چهل روز دیگر، دوباره خدمت فرزند برادرم امام عسکری (علیه السلام) رفتم و حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) را دیدم که راه می رود. امام عسکری (علیه السلام) فرمود: ای عمه، مولود عزیز نزد خدا این است. گفتم: ای سید و مولای من، نشو و نماي او را در چهل روز زیادت از دیگران می بینم. حضرت فرمودند: ای عمه، ما اوصیاء در يك روز نشو و نماي يك هفته دیگران را، و در يك جمعه نشو و نماي يك سال دیگران را می نماییم. من برخاستم و سر آن طفل را بوسیده به منزل مراجعه کردم. (7)

القاب امام زمان (علیه السلام)

از القاب آن نور الهی (8) «حجة الله»، «حجة آل محمد»، «صاحب الزمان» یعنی فرمانروای عصر خود، «مالك

رقاب خلایق» یعنی امر امر او و نهی نهی او و حکم حکم او و فرمان فرمان اوست، «مهدی» که خلق به وسیله او هدایت می یابند و به وجود مقدس او از جاده ضلالت به شاهراه هدایت رسیده رستگار می شوند، «قائم» که حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: «از این جهت که به حق قیام می نماید او را قائم گویند»؛ «منتظر» که برای او غیبت طولانی است، و مخلصین او انتظار خروجش را می کشند و شکاکین او را انکار می کنند.

اوصاف امام زمان (علیه السلام)

اوصاف ظاهری آن حضرت (9) شباهتهای زیادی به رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) دارد. خطی از موی سبز رنگ مانند زمرد از گردن تا ناف مبارک او کشیده است. صورت مبارکش مانند ستاره ای درخشانده و نورانی است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «او جوانی است خوش روی و خوش موی و نور صورت مبارکش بر سیاهی محاسن انور او غالب است». امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «رنگ مبارکش مایل به سرخی است مانند گل سرخ شکفته و چشمانش گشاده و میان ابروهایش مرتفع و ما بین شانه های او باز است. گشاده جبین است و بینی او بلند و نازک و شکم مبارکش برآمدگی دارد، و بیخ دندانهای ثناییش گشاده است.»

مادر امام زمان (علیه السلام)

والده حضرت صاحب الامر (علیه السلام) حضرت نرجس خاتون است که نامها و القاب دیگر حضرت ملیکه، ریحانه، صیقل، سوسن است. در زیارت آن حضرت - که تمامی عبارات آن دلالت واضحی بر علو منزلت آن بانو دارد - توصیف به راضیه، مرضیه، صدیقه، تقیه، نقیه، زکیه شده است.

بنابر نقلی جناب نرگس در سال 261 هـ در سامراء از دنیا رحلت کرد و در جوار امامین حضرت هادی و امام عسکری (علیهما السلام) دفن شد. (10) بنا بر نقلی دیگر در سال 260 هـ قبل از شهادت امام عسکری (علیه السلام) رحلت نمود (11)، زیرا هنگامی که امام (علیه السلام) از وقایع بعد از شهادت خود نسبت به فرزند و عیالش خبر داد حضرت نرجس خاتون (علیها السلام) از آن حضرت خواستند که دعا بفرمایند قبل از ایشان از دنیا بروند. (12)

حضرت حکیمه خاتون دختر حضرت جواد الائمه (علیه السلام) است که توفیق رؤیت و درک چهار امام معصوم (علیهم السلام) را داشته است. (13) ایشان در سال 274 هـ در سامراء رحلت فرمودند. (14)

ایشان محرم اسرار اهل بیت (علیهم السلام) بوده و کسی است که در ولادت حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) حاضر بوده و چندین بار خدمت آن حضرت مشرف شده است. بعد از وفات امام حسن عسکری (علیه السلام) یکی از سفرا بوده که به واسطه او مردم به حوائج خود نایل می شدند. (15)

ایام پس از ولادت امام زمان (علیه السلام)

پس از گذشت يك شب از ولادت امام عصر (علیه السلام)، نسیم خادم خدمت آن حضرت رسید و عطسه کرد. امام (علیه السلام) فرمود: «يَرْحَمَكَ اللَّهُ». سپس فرمود: «عطسه تا سه روز امان از مرگ است». (16) این ماجرا در روز 25 شعبان هم نقل شده است. (17)

سه روز بعد از ولادت امام عصر (علیه السلام)، حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) فرزند خود را به اصحاب خاص نمایاند و امامت او را تصدیق فرمودند. (18)

غیبت صغری

در غیبت صغری چهار تن از بزرگان شیعه به ترتیب وکیل و سفیر و نایب خاص امام زمان (علیه السلام) بودند، که خدمت آن حضرت می رسیدند و وکالتشان مورد تأیید آن حضرت بود، و پاسخهای امام (علیه السلام) در حاشیه نامه ها توسط نواب به دست مردم می رسید.

البته غیر از این چهار نفر وکلای دیگری هم از طرف امام (علیه السلام) در بلاد مختلف بودند که به وسیله همین چهار بزرگوار امور مردم را به عرض امام زمان (علیه السلام) می رساندند و از سوی امام (علیه السلام) در امور آنها توقیع هایی صادر شده بود. (19) سفارت این چهار بزرگوار سفارت مطلق و تام بوده، ولی دیگران در موارد خاصی سفارت داشتند، مانند ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی، احمد بن اسحاق اشعری، ابراهیم بن محمد همدانی، احمد بن حمزة بن الیسع. (20)

نواب اربعه عبارتند از ابوعمر و عثمان بن سعید عَمَری، ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عَمَری، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، ابوالحسن علی بن محمد سمري.

نائب اول عثمان بن سعید مورد اعتماد مردم و جلیل القدر و وکیل حضرت هادی و امام عسکری (علیهما السلام) نیز بود. (21) او به امر امام (علیه السلام) متصدی کفن و دفن امام عسکری (علیه السلام) گردید. (22)

چون امام عسکری (علیه السلام) در محله عسکر سکونت داشتند و تماس با آن حضرت برای شیعیان مشکل بود. عثمان بن سعید چون روغن فروش بود، اموال را در ظرفهای روغن می ریخت و به خدمت امام (علیه السلام) می برد. (23)

احمد بن اسحاق قمی هنگامی که از امام هادی (علیه السلام) پرسید: آقای من، گاهی غایب و گاهی حاضرم. وقتی هم که حضور دارم همیشه نمی توانم خدمتتان برسم. سخن چه کسی را بپذیرم و فرمان چه شخصی را اطاعت کنم؟ حضرت فرمود: این ابوعمر و عثمان بن سعید عَمَری مورد اطمینان و امین است، آنچه به شما بگوید از من می گوید و آنچه به شما برساند از من می رساند.

احمد بن اسحاق می گوید: پس از رحلت امام هادی (علیه السلام) نزد امام عسکری (علیه السلام) رفته همان گفته را تکرار کردم. آن حضرت مانند پدر بزرگوارشان فرمودند: ابوعمر و امین و مورد اطمینان امام گذشته و مورد اطمینان من در زندگی و پس از مرگ من است. آنچه به شما بگویم و آنچه به شما برساند از من می رساند. (24) جناب عثمان بن سعید پس از امام عسکری (علیه السلام) به فرمان حضرت مهدی (علیه السلام) به وکالت و نیابت ادامه داد، و شیعیان مسائل خود را نزد او می بردند و پاسخ امام (علیه السلام) توسط او به مردم می رسید. (25)

نائب دوم ابوجعفر محمد بن عثمان بود و او نیز همچون پدر از بزرگان شیعه و در تقوی و عدالت و بزرگواری مورد اعتماد و احترام شیعیان بود. عثمان بن سعید پیش از وفات به فرمان امام عصر (علیه السلام) فرزند خود ابوجعفر محمد بن عثمان را به جانشینی خود و نیابت امام (علیه السلام) معرفی کرد. این در حالی بود که امام عسکری (علیه السلام) نسبت به او و پدرش اظهار اعتماد و اطمینان فرموده بود و شیعه بر عدالت و تقوی و اطاعت او اتفاق داشتند. (26)

پس از درگذشت نائب اول جناب عثمان بن سعید، توقیعی از جانب امام زمان (علیه السلام) در مورد وفات او و نیابت فرزندش محمد صادر شد که ترجمه قسمتی از آن چنین است: «انا لله و انا اليه راجعون، در برابر فرمان خدا تسلیم و به قضای او راضی هستیم. پدرت سعادتمند زیست و پسندیده درگذشت. خداوند او را رحمت کند و به پیشوایان و سرورانش (علیهم السلام) ملحق سازد. از کمال سعادت پدرت بود که خداوند فرزندی چون تو را به او عنایت کرد که پس از او جانشینش گردی، و در امورش قائم مقام او باشی و برایش طلب رحمت و آمرزش نمایی». (27)

از محمد بن عثمان پرسیدند: صاحب الامر (علیه السلام) را دیده ای؟ گفت: آری و آخرین ملاقاتم با او کنار بیت الله الحرام بود که می فرمود: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي» و نیز او را در مستجار نزدیک رکن یمانی کعبه دیدم که می گفت: «اللَّهُمَّ انْتَقِمْ لِي مِنْ أَعْدَائِي». (28)

این بزرگوار کتابهایی در فقه تألیف کرده که مشتمل است بر آنچه از امام عسکری (علیه السلام) و از پدر خود شنیده بود. (29)

محمد بن عثمان برای خود قبری ترتیب داده بود و آن را با ساج پوشانده بود و روی آن آیاتی از قرآن کریم و اسامی ائمه اطهار (علیهم السلام) را نوشته بود. هر روز داخل آن می شد و يك جزء قرآن قرائت می کرد و بیرون می آمد. (30) او پیش از مرگ از روز وفات خود خبر داد و در همان روز که خبر داده بود درگذشت. (31) همچنین پیش از رحلت به شیعیان خبر داد که امام (علیه السلام) جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی را برای سفارت و ارتباط با خود انتخاب فرموده اند و او قائم مقام من است و به او مراجعه کنید. (32) او در سال 305 هـ رحلت فرمود. (33)

نائب سوم جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی است، که نزد موافق و مخالف عظمت و بزرگی ویژه ای داشت، و به عقل و بینش و تقوی و فضیلت نزد عموم فرقه های مختلف مذهبی مشهور بود و در زمان نائب دوم از جانب او متصدی پاره ای از امور بود.

با اینکه میان یاران نائب دوم، جعفر بن احمد بن متیل از همه به او نزدیکتر بود، و حتی در اواخر زندگی جناب محمد بن عثمان، غذای منزل او را در منزل جعفر بن احمد بن متیل تهیه می کردند، و در میان اصحاب احتمال نیابت و جانشینی جعفر بن احمد بیشتر بود، اما در آخرین ساعات زندگی جناب محمد بن عثمان که جعفر بن

احمد بالای سر او و حسین بن روح پایین پایش نشسته بود، به جعفر بن احمد رو کرد و فرمود: «مأمور شده ام که امور را به ابوالقاسم حسین بن روح واگذار نمایم». جعفر بن احمد از جا برخاست و دست حسین بن روح را گرفت و او را بالای سر محمد بن عثمان نشانید و خود در پایین پای او نشست. (34)

در 6 شوال سال 305 هـ اولین توقیع از ناحیه مقدسه امام عصر (علیه السلام) برای او صادر شد که متن آن چنین بود: «ما او را می شناسیم، خداوند تمامی خیر و رضای خویش را به او بشناساند و به توفیق خود او را یاری نماید. از مکتوب او مطلع شدیم و نسبت به او وثوق و اطمینان داریم. او را نزد ما مکان و منزلتی است که خشنودش می سازد. خداوند احسان خویش را به او بیفزاید که خدا ولی و توانا بر همه چیز است، و سپاس خدای را که شریکی ندارد و درود و سلام فراوان خداوند بر فرستاده او محمد و بر خاندان او صلوات الله علیهم».

از ابوسهل نوبختی صاحب تألیفات - که از متکلمین بزرگ بغداد بود - پرسیدند: برای چه جناب ابوالقاسم حسین بن روح به مقام نیابت نایل شد و شما نایل نشدید؟ گفت: ائمه (علیهم السلام) داناترند و آنچه برگزینند شایسته تر و مناسب تر است، ولی من فردی هستم که با خصم برخورد و مناظره می کنم و اگر نائب امام (علیه السلام) بودم و مکان امام زمان (علیه السلام) را می دانستم - چنانکه ابوالقاسم حسین بن روح به جهت نیابت می داند - و در گیر و دار بحث پیرامون امام (علیه السلام) با مخالفان در تنگنا قرار می گرفتم ممکن بود نتوانم خود را کنترل کنم و جای آن حضرت را افشا نمایم؛ ولی ابوالقاسم اگر امام (علیه السلام) در زیر دامن او مخفی باشد و او را با آلات برنده تکه تکه نمایند دامن خود را از او برنمی دارد و او را به دشمن نشان نخواهد داد. (35)

جناب ابوالقاسم حسین بن روح حدود 21 سال مقام نیابت داشت. او قبل از وفات امور نیابت را به امر امام (علیه السلام) به ابوالحسن علی بن محمد سمری وا گذاشت، و در ماه شعبان سال 326 هجری درگذشت. آرامگاه او در بغداد است. (36)

نائب چهارم ابوالحسن سمری است که حسب الامر حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) به جناب حسین بن روح، امر نیابت بعد از او به ابوالحسن سمری واگذار شد. به فرموده بزرگان رجال، عظمت و جلالت قدر او محتاج به توصیف نیست. ابوالحسن سمری روزی به جمعی از مشایخ که نزد او بودند فرمود: «خداوند به شما در مصیبت علی بن بابویه قمی اجر عنایت فرماید. در این ساعت او از دنیا رفت». آنان ساعت و روز و ماه را یادداشت کردند، و 17 یا 18 روز بعد خبر رسید که در همان ساعت علی بن بابویه قمی درگذشته است. (37)

پایان غیبت صغری

پیش از وفات علی بن محمد سمری گروهی از شیعیان نزد او گرد آمدند و پرسیدند: «پس از شما چه کسی جانشین شما خواهد بود؟» پاسخ داد: من مأمور نشده ام که در این مورد به کسی وصیت کنم. (38) سپس توقیعی را که از سوی امام غایب (علیه السلام) در این باره صادر شده بود به شیعیان نشان داد. آنان از روی توقیع استنساخ کردند که مضمون آن چنین بود: «بسم الله الرحمن الرحیم، ای علی بن محمد سمری، خداوند در مصیبت تو پاداش برادرانت را عظیم دارد. تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. پس امور خویش را فراهم آور و به هیچکس وصیت مکن که پس از تو جانشین تو شود. غیبت کبری واقع شد و ظهوری نخواهد بود تا آنگاه که

خدای متعال فرمان دهد، که پس از مدت طولانی و قساوت دلها و پر شدن زمین از ستم است. به زودی افرادی نزد شیعیان من مدعی مشاهده من می شوند. آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و پیش از صبحه (39) چنین ادعایی نماید (یعنی ادعای رؤیت به عنوان سفارت و نیابت نماید) دروغگو و افترا زننده است «و لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ». (40)

روز ششم که مصادف با نیمه شعبان سال 329 هـ بود جناب ابوالحسن سمری درگذشت، و در خیابان خلنجی کنار نهر ابوعتاب در بغداد دفن گردید. (41)

مجلسی (رحمه الله) از احتجاج مرحوم شیخ طبرسی نقل می فرماید: هیچیک از نائبان خاص امام عصر (علیه السلام) جز با فرمان صریحی از جانب آن حضرت و تعیین و نصب و معرفی نایب قبلی به نیابت قیام نکرد. شیعه نیز گفتار هیچیک را نپذیرفت مگر بعد از بروز نشانه و معجزه ای به دست هر يك از آنان از طرف امام عصر (علیه السلام) که بر راستی گفتار و درستی نیابتشان دلالت می کرد. (42)

وظایف زمان غیبت کبری

شیعیان و دوستان آن حضرت در زمان غیبت وظایفی دارند از جمله:

1. قرائت دعای ندبه در روزهای جمعه، عید فطر، عید قربان، عید غدیر.
2. زیارت آن حضرت در روز جمعه.
3. برای ثبات و محکم ماندن اعتقادات خواندن این دعای شریف: «یا الله، یا رَحْمَنُ، یا رَحِيمُ، یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، تَبَّتْ قُلُوبُی عَلَی دینِکَ». (43)
4. از جا برخاستن به احترام نام «قائم» آن بزرگوار.
5. توسل به آن حضرت در مشکلات و گرفتاری ها.
6. صدقه برای سلامتی و فرج وجود شریفش.
7. قرائت این دعا که از خداوند می خواهیم آن حضرت را به ما بشناساند: «اللّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَکَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِیَّکَ، اللّهُمَّ عَرِّفْنِی رَسُولَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَکَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَکَ، اللّهُمَّ عَرِّفْنِی حُجَّتَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حُجَّتَکَ صَلَّیْتُ عَنْ دینی». (44)
9. شرکت در مجالس منسوب به آن حضرت، مخصوصاً مجالس عزاداری جد بزرگوارش حضرت سید الشهداء (علیه السلام).
10. هدیه اعمال صالحه برای آن حضرت، مانند زیارت قبور مطهر پدران بزرگوارش، قرائت قرآن و حج و عمره و طواف.
11. توبه حقیقی از گناهان.
12. متوجه کردن مردم به آن حضرت.

پی نوشت ها :

- (1) . ارشاد: ج 2 ص 339. اعلام الوری: ج 2 ص 214. کافی: ج 1 ص 431 . مسار الشيعة: ص 38. توضيح المقاصد: ص 20 - 21. مصباح المتعبد: ص 782 . مصباح كفعمی: ج 2 ص 598 . فيض العلامة: ص 346. جلاء العيون: ص 579 .
- (2) . تقويم الواعظین: ص 136، به نقل از خلاصة المنهج: ج 5 ص 145 - 246.
- (3) . مسار الشيعة: ص 38. توضيح المقاصد: ص 20 - 21. فيض العلامة: ص 343.
- (4) . ارشاد: ج 2 ص 339.
- (5) . فيض العلامة: ص 346.
- (6) . سوره قصص: آيات 5 ، 6.
- (7) . كفاية الموحدين: ج 3 ص 340 - 341.
- (8) . كفاية الموحدين: ج 3 ص 343. كمال الدين صدوق: ج 2 ص 49 ، 159.
- (9) . كفاية الموحدين: ج 3 ص 341.
- (10) . رياحين الشريعة: ج 3 ص 25 - 26.
- (11) . تاريخ سامراء: ج 1 ص 243. مستدرک سفينة البحار: ج 10 ص 25.
- (12) . مستدرک سفينة البحار: ج 10 ص 25.
- (13) . بحار الانوار: ج 50 ص 8 .
- (14) . تاريخ سامراء: ج 1 ص 239.
- (15) . رياحين الشريعة: ج 4 ص 150.
- (16) . وقايع الشهور: ص 147.
- (17) . وقايع الشهور: ص 146.
- (18) . وقايع الشهور: ص 147.
- (19) . المهدي (عليه السلام): ص 182.
- (20) . اعيان الشيعة: ج 4 ص 21 بخش سوم.
- (21) . المهدي (عليه السلام): ص 181.
- (22) . اعيان الشيعة: ج 4 ص 16 بخش سوم.
- (23) . بحار الانوار: ج 51 ص 344.
- (24) . بحار الانوار: ج 51 ص 344.
- (25) . بحار الانوار: ج 51 ص 346. المهدي (عليه السلام): ص 181.
- (26) . بحار الانوار: ج 51 ص 345 - 346. غيبه شيخ طوسي: ص 216 - 219. الكنى و اللقب: ج 3 ص 230.
- (27) . كمال الدين: ج 2 ص 188. بحار الانوار: ج 51 ص 349.
- (28) . بحار الانوار: ج 51 ص 351.
- (29) . حق اليقين: ص 299.
- (30) . الكنى و اللقب: ج 3 ص 267 - 268. حق اليقين: ص 300.
- (31) . الكنى و اللقب: ج 3 ص 267 - 268.
- (32) . بحار الانوار: ج 51 ص 354 - 355. غيبه شيخ طوسي: ص 326 - 327.

(33) . بحار الانوار: ج 51 ص 352.

(34) . بحار الانوار: ج 51 ص 353 - 354.

(35) . بحار الانوار: ج 51 ص 359. الكنى و اللقب: ج 1 ص 91.

(36) . بحار الانوار: ج 51 ص 358 - 360. حق اليقين: ص 301.

(37) . بحار الانوار: ج 51 ص 361. الكنى و اللقب: ج 3 ص 231.

(38) . بحار الانوار: ج 51 ص 360.

(39) . خروج سفيانى و صيحه دو علامت از علاماتی هستند كه هنگام ظهور امام عصر (عليه السلام) واقع مى شود.

(40) . بحار الانوار: ج 51 ص 361. غيبت شيخ طوسى: ص 242 - 243. كمال الدين: ج 2 ص 193. حق اليقين: ص 301.

(41) . اعيان الشيعة: ج 4 ص 21 بخش سوم. قاموس الرجال: ج 7 ص 51 . بحار الانوار: ج 51 ص 361.

(42) . بحار الانوار: ج 51 ص 362.

(43) . كمال الدين: ج 2 ص 352.

(44) . كمال الدين: ج 2 ص 342.

گرفته شده از ماهنامه شيعه نسخه ديجيتال